

پس از کشف رد پای پلنگ صورتی

غلامحسین دولت آبادی / آراز بارسقیان



www.ketab.ir

سرشناسه: دولت آبادی، غلامحسین، ۱۳۵۸ -
 عنوان و نام پدید آور: پس از کشف رد پای پلنگ صورتی / غلامحسین دولت آبادی، آراز بارسقیان
 مشخصات نشر: تهران: انتشارات یکشنبه، ۱۳۹۶.
 شناسه افزوده: آراز بارسقیان، ۱۳۶۳ -
 عنوان دیگر: مجموعه مقالات و یادداشت‌ها و گفتگوهای تاتاری از ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۰.
 موضوع: نمایشنامه فارسی - ایران - مقاله‌ها و خطابه‌ها
 ردیابی: گفتگو: PN۱۶۶۹/۲۵۹۱۳۹۵
 ردیابی دیویتی: ۸۰۸/۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۶۰۴۴۷

غلامحسین دولت آبادی / آراز بارسقیان

پس از کشف رد پای پلنگ صورتی

مجموعه مقالات و یادداشت‌ها و گفتگوهای تاتاری ۱۳۹۵ - ۱۳۹۰

...

امور پیش از چاپ: یکشنبه

امور چاپ: هنگام

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸۶۰۰۰۹۷۰۷۸۸۶۰۰۰

...

www.sundaypub.ir



@Sundaypub



t.me/Sundaypub

www.ketabpub.ir



نشر یکشنبه

© حق انتشار برای انتشارات یکشنبه محفوظ است.

فقط ارجاع یا ذکر منبع مجاز است و هر گونه کپی برداری به هر شکل از این کتاب امری غیر اخلاقی و غیر قانونی محسوب شده و

مشمول پیگرد قانونی است.

فهرست

۶	مقدمه
۱۰	شوق نوشتن
۱۸	وناگهان اباص نعلبندیان
۲۷	پی‌رنگ پُرحفره، فقدان کنش دراماتیک و شعارزدگی
۳۵	پس از کشف رد پای صورتی
۴۰	مدیریت تئاتر کشور؛ معضلی تراژیک کمیک
۴۴	موانع آ‌وزش تئاتر در دانشگاه‌های ایران
۴۹	آمده، ب‌ظاه‌آ‌هستید، ولی نخواهید بود
۵۷	پاریس و چولو
۶۱	عموم نمایشنامه‌ریسان این افراد عمیق و متفکری نیستند
۶۶	تئاتر بی‌هویت تلای‌ن تئاتر ما
۶۹	تخصص در دانشگاه انجین‌فتر است
۷۵	حقایقی درباره‌ی نمایشنامه‌ن‌س
۸۴	اخلاق بی‌اخلاقی: فروپاشی تدر از در‌ن
۸۸	موزیکال یا نتواتر اکسیون؟
۹۳	فرار رویه‌جلو
۹۷	نقش مبهم نویسنده در تئاتر همراه با توهم آ‌واخاردیسم
۱۰۳	آزادسازی ویرانی
۱۰۷	فرهاد مهندس‌پور و روایت‌های آب‌هندوانه‌ای از هملت
۱۳۱	وناگهان هندوانه
۱۳۹	من عصبانی نیستم
۱۴۹	آب‌هندوانه در هپروت
۱۵۹	حکایت پندآموز و اخلاقی
۱۶۷	تکنولوژی آب‌هندوانه در خانه
۱۷۷	برخورد نزدیک با تئاتر آب‌هندوانه‌ای: به‌سوی تئاتر فقیر
۱۸۷	نوشتن کار ساده‌ای نیست
۱۹۳	حاشیه‌ای بر حاشیه‌ها

مقدمه

نوشتن در اری تئاتر گاهی سخت‌تر از نوشتن در تئاتر است. منظور واضح است. نوشتن و حرف زدن در باره‌ی تئاتر یعنی مجموعه‌ی یادداشت‌ها و مقالات و گفت‌وگویی‌هایی که در طی سال‌ها انجام می‌دهد. منتشر می‌شود و گاهی بنا به دلایلی منتشر نمی‌شود. در مقابل نوشتن در تئاتر یعنی همان نوشتن نمایشنامه. نوشتن نمایشنامه‌هایی که ناگزیرید امیدوار باشید روزی اجرا شوند یا اینکه خودتان دوست به تشارش بزنید. این کتاب اما درباره‌ی تئاتر است. یعنی بخشی جدا از فعالیت هنری شما که همانا نوشتن نمایشنامه است و اجرای آن‌ها. شاید بتوان گفت مواجهه‌ی فعالیت خلاقه با فعالیتی که در سیار موارد شکل و شمایل ژورنالیستی می‌گیرد. حرکت باریکی است بین مرز این دو. حرکتی که شما مجبور هستید از خصوصیات پژوهشی دانشگاهی هم استفاده کنید. این یعنی کمک گرفتن از دانشگاهی و علمی.

نوشته‌های شما جایی بین خلاقیت، ژورنالیسم و پژوهش‌های دانشگاهی حرکت می‌کنند. آنجا که بحث خلاقیت است در فرم بروز ظهور می‌یابد. و ما ام ارجاعاتی پیدا می‌کند که حالتی نیمه شخصی دارد. ارجاعات که باید توانسته باشد کسی که بخانه پیدا کند. از طرف دیگر وقتی پای ژورنالیسم وسط باشد دیدگاه انتقادی حقیقت‌یاب می‌شود. پرداختن به موضوعات روز، نوشتن نقدهای نمایش‌های روی صحنه و مواردی از این دست به نوعی بیانگر دیدگاه ژورنالیستی هستند. پژوهش و تحقیق (دانشگاهی یا غیردانشگاهی) یعنی نوعی علمی که شما در جست‌وجوی حقیقت سعی می‌کنید لایه‌های عمیق‌تری را بکاوید. رفتن سراغ آرشیوها، کتاب مرجع و تئوریک. پیوند این‌ها با هم پایه‌ی اصلی این کتاب است. کتابی که مجموعه مقالات انتقادی ما است نسبت به وضعیت و شرایط امروز و حتی دیروز تئاتر ایران.

در چنین مطالب کنار هم سعی نکردیم به صورت خطی عمل کنیم یعنی لزوماً به ترتیب تاریخ انتشار بلکه ترتیب آن‌ها برحسب بوده است که بتوانید شاهد روندی مشخص باشید. روندی انتقادی که در آن بتوان به راحتی سیر حرکت نویسنده‌های مطالب را هم ببیند. بر هر مطلب حاشیه‌ای کوتاه نوشته شده. این حاشیه‌ها سعی دارند به آن روند خطی که اشاره شد کمک کنند.

یعنی هر کدام از آن‌ها توضیحی هستند بر مطلبی که قرار است بخوانید البته باید گفت این تمامی مطالب و مصاحبه‌ها و یادداشت‌هایی نیست که در طول این سال‌ها نوشته‌ایم. این مطالب به نوعی گزیده و جان کلام است.

اما چیزی که باعث می‌شود کمی به توضیحات اضافه کنیم، همان نکته‌ی همیشگی است: توضیح دادن ساختار کار و البته روشن کردن چند مورد که شاید در ذهن مخاطبان مبهم باشد یا متأسفانه بد جا افتاده باشد.

سال‌هاست اهالی خانواده‌ی تئاتر از یک واژه ناالان هستند: گفت‌وگو. آن‌ها مدام همدیگر را متهم به عده‌گفت‌وگو می‌کنند. گفت‌وگویی که البته برای تئاتر سازنده باشد. اما عملاً اتفاق نمی‌افتد. برخی این گفت‌وگو را با مصاحبه‌ها و ریبیونویسی‌های مجیزگوی روزنامه‌ها و مجلات اشتباه می‌گیرند. مثلاً اگر در مجله‌ای در مقابل روزنامه‌نگاری صحبت کنند و به تعدادی سؤال مشخص و کلیشه‌ای پاسخ دهند به نظرشان گفت‌وگو کرده‌اند و به گسترش گفت‌وگو در جامعه‌ی تئاتر کمک کرده‌اند. اما این برای تئاتر چنین نگارش‌هایی در نهایت فقط و فقط تبلیغ شخصی است به نفع شخص گفت‌وگو کننده. این قاعده‌تاً اسمش گفت‌وگو نیست چون ذات گفت‌وگو همراه با نقد است و البته نقدی که باید برش پاسخ وجود داشته باشد نه اینکه در مقابلش گارد گرفته شود و در موارد بسیاری به قهر منجر شود. همان نبود چنین فضایی در تئاتر کشور (که خود نمادی از نبود چنین فضایی در بسیار از فضاهای دیگری است) تکانه‌ی اصلی نوشتن این سلسله از مطالب بود. مطالبی که در اوج نبود چنین فضایی در تئاتر ایران شکل گرفت. این عدم فضای گفت‌وگو وقتی بیشتر به چشم آمد که عده‌ای می‌آوردند با تشکیل دادن میزگرد (میزگردهای مجله‌ای و ژورنالیستی سطحی‌ترین راه برای ایجاد گفت‌وگو است) دست به ایجاد نوعی گفت‌وگو بزنند. منتها در آنجا هم به خاطر گزینشی عمل کردن در افراد، نهادهای موافق یا نیروهای که در مقابل هم دست به تعارف‌های مرسوم می‌زنند، باز فضای گفت‌وگو شکلی یک‌جانبه و حتی حق‌به‌جانب گرفت. در چنین فضایی وقتی کسی صحبت می‌کرد و حرف‌هایش شبیه حرف‌های مرسوم نیست و سعی نمی‌کند به کسی نان قرض بدهد، خیلی رود تبدیل به دشمن «مردم» می‌شود. دشمن تئاتر. دشمن پیشرفت دیگران. با انواع و اقسام اتهامات مواجه می‌شود. به او هر چیزی می‌گویند. از حسود بودن و کوتوله بودن، تا بی‌استعداد بودن و اینکه خود آن فرد هیچ کاری نکرده و فقط بلد است غر بزند. این حرف‌ها طبقه‌بندی و مرحله‌بندی دارد. اگر شما منتقدی صرف باشید که فقط دارید نقد می‌کنید، خیلی زود از میدان به در می‌شوید چون معمولاً رسانه‌تان را ازتان می‌گیرند و خیلی زود به شما می‌گویند که انتشار چنین مطالبی درست

و به صلاح نیست و شما مجبور می‌شوید تغییر شیوه دهید. اگر خودتان صاحب تولید هنری باشید، اوضاع کمی پیچیده‌تر می‌شود. چون آن‌وقت شما از خودتان اثر دارید. در ابتدا سعی می‌شود بیشتر از قبل نادیده گرفته شوید. اگر تحمل این نادیده گرفته شدن را ندارید خیلی زود از مواضع خودتان عقب‌نشینی می‌کنید.

اگر در امور کمی بیشتر پافشاری کنید و سعی کنید با کسانی که سال‌ها مجلات مجیزگویشان بوده‌اند مواجه شوید اتفاقات ناگوارتری برایتان می‌افتد. یک روز که به خودتان می‌آید می‌بینید از پشته تنه‌اترید. آن‌قدر تنها که حتی تاترها و نوشته‌هایت بیننده و خواننده ندارند. آن‌ها با تمام قوا سعی می‌کنند جلوی خودتان و اثرتان را بگیرند. این در حالی که آن‌ها خودشان همیشه مخاطب اصلی مطالب شما هستند. این را عملاً در پاسخ‌های غیرمستقیم و اتفاقاتی که بعد از انتشار هر کدام از این مطالب در رسانه‌های مختلف می‌افتد شاهد است. به خاطر لحن مطالب بسیاری سعی کرده‌اند بگیرند که این‌ها خصومت‌های شخصی است و نگاه‌ها شخصی و هدف تخریب افراد است. برای دوری از این اتهامی چندین راه وجود دارد. راه اول تأکید بر مسائل فنی است. چیزی که در تمامی مطالب، محرری مود دارد و راه دیگر دوری جستن از برخوردهای شخصی با افراد. این امر کمی اجتناب‌ناپذیر است چون رفتی بحث نقد یک اثر است، شما دارید یک اثر از یک فرد مشخص را نقد می‌کنید. پس مجبورید به تمام جوانب ماجرا سرک بکشید. این گونه است که کار سخت‌تر می‌شود و نوشتن هم به همان میزان دشوارتر و محتاطانه‌تر. این امر تا وقتی که فراموش نکنیم داشتن نگاهی انتقادی برخلاف آن چیزی که از دور ممکن است به نظر برسد، بسیار هم می‌تواند سازنده باشد، و درک این موضوع خود تمام. رگ در راه پیشرفت و حرکت به طرف جامعه‌ای مدنی و قاعده‌مدار است.

این مجموعه مطالب تنوع جالبی دارد. چند گفت‌وگو در آن وجود دارد. گفت‌وگوهایی که سویه‌های مشخصی دارند. درباره‌ی امر نویسندگی مؤلفان است و نظرات آن نسبت به فضای تئاتر. بخش دیگر شامل نوشته‌های آکادمیک و بررسی‌های دقیق متون نمایشی می‌شود. این نوشته‌ها با دقت نظر آکادمیک نگاشته شده‌اند و نماینده‌ی جنبه‌ی دانشگاهی و علمی مؤلفان است. بخش دیگر یادداشت‌های آن‌ها است که در اصل واکنش‌هایی بوده نسبت به شرایط بیرونی تئاتر. شرایط روزمره‌ی تئاتر. شرایطی که قرار نبوده تبدیل به بحران شود اما عملاً در طی روند پیش‌آمده تبدیل به بحران‌هایی شد که در مواردی واکنش اهالی تئاتر را برانگیخت و مؤلفان در مقابل این واکنش، خود واکنشی دیگر نشان دادند. بخش دیگر مربوط به نقد مستقیم آثار تئاتر است. مؤلفان در این بخش سعی کرده‌اند از دو جنبه به ماجرا نگاه بکنند؛ یک نقد معمول و مرسوم

به نمایش و دو رفتاری متفاوت نسبت به نقدهای متداول ژورنالیستی. نقدها به هیچ عنوان کوتاه نیستند و برای ستون‌های روزنامه‌ها به نگارش درنیامده‌اند. همین ساختار دست‌آنها را باز گذاشته تا مسائل را تا حد ممکن توضیح دهند. سعی کردند مسائل فنی را باز کنند و از دو جنبه‌ی نمایشنامه‌نویسی و کارگردانی به مقوله‌ی اجرا نگاه کنند و با همین دوزاویه دید آثار را نقد کنند. نکته‌ی دیگر اینکه فقط اسم نویسندگان از مطالبی که به صورت مشترک با هم نگاشته شده حذف شده. در سایر موارد اسم نویسنده‌ی مطلب آمده است.

امیدوارم خواندن این مطالب لزوماً باعث کدورت خاطر نباشد بلکه پیشنهاد/گشایش باب گفتگویی باشد بین ادالی تئاتر و فرهنگ این کشور. امیدواریم این نوشته سندی باشد برای بررسی وضعیت تئاتر این سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵.

امیدواریم پس از بررسی این کتاب تازه جستجو را برای یافتن راهی تازه به کمک همدیگر شروع کنیم...

غلامحسین دولت‌آبادی / آراز بارسقیان

دی‌ماه ۱۳۹۵